



بررسی دو ساخت نحوی در زند/اوستا

محمود جعفری دهقی (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

راشین مدنی (دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران)

چکیده: در این مقاله دو نمونه از ساخت‌های نحوی زند/اوستا بررسی شده است. نخست ساخت نحوی‌ای که صفت مفعولی آینده مختوم به -iia- از اوستا به آن ترجمه شده و ظاهراً در آثار فارسی میانه زردشتی باقی نمانده و دربردارنده همان مفهوم صفت مفعولی آینده در اوستا است؛ سپس ساخت نحوی‌ای بررسی می‌گردد که افعال ساخته‌شده بر ماده تشدید بدان ترجمه می‌شوند و به آثار فارسی میانه زردشتی راه یافته است. مفهوم این ساخت نحوی مطابق با مفهوم مفعول مطلق تأکیدی در زبان عربی است.

کلیدواژه‌ها: زند، صفت مفعولی آینده، مفعول مطلق، اسم مصدر، ماده تشدید

۱. مقدمه

زند ترجمه و تفسیرهای اوستا به پهلوی است که در زمانی، با کهنه شدن زبان غامض اوستایی، توسط روحانیان زردشتی به پهلوی فراهم آمده است. این متون نزد زردشتیان، همپای اوستا، مقدس و معتبر بوده است. زند/اوستا، نزد محققان اوستاشناس نیز، برای فهم و ترجمه اوستا، از اعتبار و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و

تا اواخر قرن نوزدهم، محققان در برداشت و ترجمه خود از *اوستا* تا حدود بسیاری بر زند تکیه می‌کردند. در اواخر قرن نوزدهم گلدنر^۱ در بررسی و مطالعات خود از *اوستا* به مقایسه آن با «متون ودایی» تکیه کرد و معتقد بود از زند *اوستا* تنها تا حدودی می‌توان در فهم برخی از واژه‌های اوستایی سود جست. وی پایه‌گذار مکتب ودایی شد که قائل به این بود که درک *اوستا* بدون مقایسه با متون ودایی ممکن نیست و مناقشه سختی میان این مکتب و «مکتب سنتی» در گرفت که دارمستتر^۲ و اشیگل^۳ پایه‌گذار آن بودند و قائل به این بود که *اوستا* را به کمک شرح و تفسیرهای پهلوی می‌توان دریافت. این بحث‌ها، در پایان قرن نوزدهم، با اثبات این پایان یافت که زند *اوستا* در فهم *وندیداد* و *هیربستان* و *نیرنگستان* مفید است، اما برای درک *یسنا* و به‌ویژه *گاهان* نمی‌توان به آن وقعی نهاد.

مطالعه زند *اوستا* اخیراً با چشم‌انداز و مسیر متفاوتی صورت گرفته است. جوزفسون^۴ و پس از وی کانتر^۵، بیشتر با هدف یافتن فنون، مهارت‌ها و شیوه‌هایی که مترجمان مطابق آن واژه‌ها و ساخت‌های نحوی اوستایی را به زبان پهلوی برگردانده‌اند، به بررسی زند بخش‌هایی از *اوستای* جدید پرداخته‌اند.^۶ مطابق تحقیقات ایشان می‌توان نتیجه گرفت زند *اوستا* منبع ارزشمندی برای بررسی و مطالعه زبان‌های ایرانی میانه و روشن ساختن برخی از نکات مبهم آن‌ها است. نگارش این مقاله نیز در راستای همین هدف بوده است. با بررسی دوباره زند *گاهان* و *یسنا* دریافتیم فنون و شیوه‌های ترجمه

1) Geldner 2) Darmesteter 3) Spiegel
4) Josephson 5) Cantera

۶) اثر اصلی جوزفسون در سال ۱۹۹۷ میلادی انتشار یافت (*The Pahlavi Translation Technique as Illustrated by Hōm Yašt, Uppsala*). وی سپس با بررسی زند *گاهان*، واژه‌هایی یافت که در متون فارسی میانه زردشتی نیستند یا دستخوش تغییر و تحول معنایی شده‌اند و باید معنا و مفهوم واقعی آن‌ها را در زند یافت؛ از این‌رو، زند *گاهان* برای فرهنگ‌نویسی زبان‌های ایرانی میانه منبع ارزشمندی است. وی یافته‌های خود را در این مقاله به چاپ رساند

“The Importance of the Pahlavi Translation Texts for a Middle Persian Dictionary”, *Middle Iranian Lexicography, Proceedings of the Conference Held in Rome, 9-11 April*, ed. Carlo CERREI and Mauro MAÇÇI, Roma, Istituto Italiano per l’Africa e l’Oriente, 2005, pp. 357-373).

آثار کانتر مرتبط با بحث در بخش منابع ذکر شده.

بعضی از ساخت‌های نحوی اوستایی به پهلوی، به ساخت‌ها و عباراتی در زند منجر می‌شود که برخی در آثار فارسی میانه زردشتی موجود نیست و در حقیقت می‌توان، بر اساس آن، ساخت‌هایی را که در آثار فارسی میانه زردشتی وجود ندارد بازسازی کرد،^۱ و نیز منشأ و چگونگی رواج برخی ساخت‌های دیگر در فارسی میانه زردشتی را در زند می‌توان یافت. از گروه نخست، به ساخت نحوی‌ای اشاره می‌شود که صفت مفعولی آینده^۲ مختوم به -iia- به آن ترجمه شده است و از گروه دوم به ساخت نحوی‌ای می‌پردازیم که افعال اوستایی ساخته شده بر ماده تشدید می‌باشد به آن ترجمه می‌گردند.

ترجمه پهلوی صفت مفعولی آینده مختوم به -iia-

پیش از پرداختن به این مطلب لازم است درباره اسم مصدر، که در ترجمه‌ها و تفسیرهای پهلوی و نیز آثار فارسی میانه زردشتی در معنای امر غایب و وجوب و لزوم به کار می‌رود، سخنی چند گفته شود. کانترا (۱۹۹۹: ۱۹۲) در بررسی ترجمه افعال تمنایی دوم شخص مفرد در زند *وندیاد* که غالباً با شناسه /-yyh/ پایان می‌یابند، مشاهده کرد برخی از این افعال در نسخه‌های متفاوت به صورت اسم مصدر و با پسوند /šn/ (س) به پهلوی برگردانده شده‌اند. بنابراین، و با توجه به آنکه شناسه /-yyh/ یا /-ydyy/ (س) در آثار بازمانده از فارسی میانه زردشتی، بیشتر به عنوان شناسه صرفی فعل امر غایب

(۱) از جمله کاربرد فعل التزامی در شمار و شخص به جز سوم شخص مفرد، کاربرد ضمیر [ANE] az در برابر azm̄n اوستایی به جای [L] man و نیز اینکه در ترجمه اسامی خویشاوندی به پهلوی، صرف صریح (direct) و غیرصریح (oblique) رعایت می‌شود. کانترا بر این اساس زند/اوستا را قدیم‌ترین متون به‌جامانده پهلوی و همپای زیور پهلوی و متون فارسی میانه ترفانی دانسته و زبان زند/اوستا را «پهلوی قدیم» (Old Pahlavi) خوانده است (۲۰۰۴: ۱۹۴ و بعد؛ نیز همو، ۱۹۹۹). چنانکه ذیل «ترجمه پهلوی صفت مفعولی آینده مختوم به -iia-» نیز آورده‌ایم، کاربرد اسم مصدر به همراه فعل معین hēnd و hē در مفهوم وجوب و لزوم فعل برای دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع، نیز به آثار فارسی میانه زردشتی نرسیده است.

(۲) future passive participle یا صفت الزامی، صفتی است که با آن قابلیت، امکان یا لزوم انجام فعل بیان می‌شود. در فارسی نو از پیوستن «ی» به مصدر صفتی ساخته می‌شود که به آن صفت لیاقت می‌گویند و از آن مفهوم صفت مفعولی آینده در اوستا برداشت می‌شود. مانند رفتنی، شدنی، دیدنی و مانند آن. در زبان اوستایی با افزودن پسوند -iia- به ریشه قوی و نیز -θβa- و -tuua- به ریشه قوی یا ضعیف فعل ساخته می‌شود (جکسون ۱۸۹۲: ۱۹۷).

کاربرد دارد، وی نتیجه گرفته است که کاربرد اسم مصدر در معنای امر غایب باید از تصحیف شناسه فعلی ترجمه افعال تمنایی دوم شخص مفرد از *اوستا* به پهلوی در زند *وندی‌داد* نشأت گرفته باشد. در زند *یسنا* و *گاهان*، اسم مصدر در معنای وجوب و لزوم برای دوم شخص مفرد و جمع نیز به کار رفته است. به این صورت که اسم مصدر و پس از آن فعل معین *hē* و *hēnd*، مفهومی را بیان می‌کند که برابر با صفت مفعولی آینده در *اوستا* است. در سه شاهد زیر، چند واژه از جمله *zaxiiā* که صفت مفعولی آینده است، و نیز *ufiiā* و *zbaiiā*، *dafšniīā* که ساختی شبیه به صفت مفعولی آینده دارند، به این شیوه برگردانده شده‌اند:

Avesta: anāiš ā dužuuarəšnaṅhō dafšniīā hēntū zaxiiācā vīspāṅhō xraosəntam upā.

اوستا: توسط آنان همهٔ بدکرداران شکست بخورند^۱ و استهزاء شوند،^۲ بخروشند.

Zand: kē anāyišn hēnd [kū bē ō ēn dēn nē āyēnd] dušwarzīdār hēnd [...] frēbišn hēnd, zanišn hēnd pad harwisp [...] ud xrōsišn hēnd abar [zamān].

زند: آنها که نیابنده‌اند [یعنی که به این دین نمی‌آیند] بدکردارند [...] فریفتنی هستند، باید که کشته شوند به همه [زمان]، و بر آنها باید خروشید.

(یسن ۸/۵۳)

Avesta: səraošəm zbaiiā auuaṅhānē.

اوستا: سروش را برای یاری می‌خوانم.

Zand: srōš xwānišn hē ō ayārīh.

زند: تو را به یاری باید خواند، ای سروش!

(یسن ۵/۳۳)

Avesta: yauuaṭ.ā θβā mazdā staomī ufiīacā.

اوستا: ... تا زمانی که تو را ای مزدا می‌ستایم و می‌پرستم.

(۱) ریشهٔ *dafšniīā* مبهم است. احتمالاً از *dab-* سنسکریت: *dabh-* «شکستن، خرد کردن» (نک: هومباخ

۱۹۹۱: ۲/۲۴۶-۲۴۷).

(۲) *zah-* سنسکریت: *has-* «خندیدن، استهزاء کردن» (نک: اینسلر ۱۹۷۶: ۳۲۶).

Zand: ēdōn tō ohrmazd stāyišn hē ud xwēšēnišn¹ hē [kū pad xwēš dārišn hē, būd kē ō xwēš kunišn guft].

زند: ایدون تو را ای اورمزد! باید ستود و از آن خویش کرد [یعنی که باید در خویش تو را نگه‌داشت (مهمان کرد)، کسی گفت یعنی < اورمزد را > به خویش باید کرد (تصاحب کرد)].

(یسن ۸/۴۳)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نه تنها صفت مفعولی آینده و واژه‌های شبیه به آن، بلکه واژه‌های دیگری (xraosəntəm و staomī) نیز به این شیوه ترجمه شده‌اند. در دو شاهد زیر نیز چند واژه، که نه صفت مفعولی آینده‌اند و نه شباهتی به آن دارند، در قالب چنین ساختی به پهلوی برگردانده شده‌اند و از برابر پهلوی آنها می‌توان مفهومی برابر با مفهوم صفت مفعولی آینده در اوستا برداشت کرد:

Avesta: ... ahurā mazdā mānghācā vaocascā dāscā varəšcā yā vohū ...

اوستا: ... ای اهوره مزدا! خوبی‌ها را می‌اندیشی و می‌گویی و می‌آفرینی و می‌ورزی ...

Zand: ... tō menišn hē [kū čiš ī tō ōh mēnišn] ohrmazd gōwišn hē [kū čiš ī tō gōwišn] dahišn hē warzišn hē weh.

زند: ... تو ای اورمزد! اندیشیدنی هستی [یعنی همانا به چیزهای تو باید اندیشید]، تو گفتنی هستی [یعنی همانا چیزهای تو را باید گفت]، < برای تو > باید نیک تقدیم کرد و کار نیک انجام داد.

(یسن ۴/۳۹)

Avesta: aṭ yə akəm drəguuāitē ... zastōibiia ... varəšaiti ...

اوستا: او که برای دروند ... با دو دست بدی کند.

(۱) ترجمه ufiācā به xwēšēnišn بر مبنای حرف‌نویسی صورت گرفته است. به نظر می‌رسد که واژه اوستایی حرف‌به‌حرف از اوستایی به پهلوی برگردانده شده است. در یسن ۱۷/۱۸ و ۱/۲۶ ufiemi به xwēšēnišn و در یسن ۳/۲۸ ufiāni به xwēš hēnd برگردانده شده است. لازم به ذکر است نسخه‌های موجود دو مورد فوق را هم به صورت NPŠE و هم به صورت hwyšynšn' نشان می‌دهند. در مورد xwēšēnišn در یسن ۸/۴۳ همه نسخه‌های موجود صورت غیر هزوارش را نشان می‌دهند. با این حال، واضح است که ابتدا واژه اوستایی حرف‌به‌حرف به حروف پهلوی برگردانده شده و با به‌دست آمدن صورت هزوارش واژه، لفظی به‌دست آمده است که در زبان پهلوی در مفهوم دوری جستن از دیوان و تقرب به ایزدان کاربرد وسیعی دارد. این شیوه ظاهراً در مورد ترجمه hafšī «برمی‌کشد» به BNPŠE/ xwad (یسن ۴/۴۳) نیز به‌کار رفته است.

Zand: ēdōn zanišn hēnd druwand ... pad har dō dast **warzišn** [kū pad har dō dast ōh **zanišn hēnd**].

زند: ایدون دروند(ان) باید کشته شوند ... با هر دو دست باید انجام داد [یعنی با هر دو دست باید کشته شوند].

(یسن ۲/۳۳)

چنین ساختی در جمله *tō kē pad ēn yazišn hē* «تو که با این <آتش> باید ستودت»، که در چند مورد در بخش شرح و تفسیر ترجمه پهلوی/اوستا (مانند یسن ۱۲/۱، ۱۱/۲، ۷/۱۴) آمده نیز به کار رفته و در بردارنده معنا و مفهوم صفت مفعولی آینده است. نکته قابل توجه این است که صفت مفعولی آینده‌ای که با افزودن پسوند *-θβa-* و *-tuua-* بر صورت قوی ریشه ساخته می‌شود نیز در زند/اوستا به اسم مصدر برگردانده شده است:

Avesta: ... **jaθβa vāhrka scaθβa vāhrka pōiθβa vāhrka snaēžana**.

اوستا: ... گرگ کشته شود و نابود گردد و از میان رود، گرگی که بزاقش روان است.

Zand: ... **zanišn gurg ka mad ēstēd wisānišn** [kū pad dō mard wisānišn] **ud rānēnišn gurg +snēhēnīdār**...

زند: ... گرگ را باید کشت هنگامی که آمده است، <او را> باید نابود کرد [یعنی توسط دو مرد باید نابود شود] و باید دور کرد گرگ خونریز را.^۱

(وندیاد، فرگرد ۴۰/۱۳)

شیوه ترجمه افعال ساخته شده بر ماده تشدید در زند اوستا

ماده تشدید با مضاعف کردن ریشه و برای بیان تکرار و تأکید بر شدت فعل مورد استفاده قرار می‌گیرد. مشاهده ترجمه چند فعل اوستایی که بر روی ماده تشدید ساخته شده‌اند، نشان می‌دهد که مفهوم افعالی که بر روی این ماده ساخته شده‌اند، به‌طور قانونمند و با ساخت نحوی خاصی به زبان پهلوی منتقل می‌شود. این ساخت

(۱) کاپادیا واژه *snēhēnīdār* را اسم عامل و مربوط به *snēh* و به معنای «خونریز، کسی که با سلاح زخم‌های خونین وارد می‌کند» دانسته است (کاپادیا ۱۹۵۳: ۱۰۱).

تشکیل شده از اسم مصدر از ریشه فعل جمله به همراه فعل و، پیش از آن دو، حرف اضافه pad. این ساخت دلالت بر شدت انجام فعل دارد و مفهوم آن برابر با مفهوم مفعول مطلق تأکیدی در زبان عربی است که از مثال‌های معروف آن «نزل الله القرآن تنزیلاً» است. در دو نمونه زیر افعال ساخته شده بر ماده تشدید به همین شیوه برگردانده شده‌اند:

Avesta: aṭ tū mōi dāiš aṣəm hiaṭ mā zaozaomī.

اوستا: پس تو به من اشته را بنمای که او را بسیار می‌خوانم.

Zand: ēdōn ahlāyīh ō man dahē ka-t pad xwānišn xwānēm.

زند: ایدون به من اهلابی عطا کن، هنگامی که تو را سخت می‌خوانم.

(یسن ۱۰/۴۳)

Avesta: bərəxdəm mōi fəraṣaoštrō huuō.guuō daēdōišť kəhrpəm daēniīāi vaṇhūiīā.

اوستا: فروشتر هوگو تن گرامی خود را برای دین نیک من نثار نماید.

Zand: ān ī ārzōg ō man frašōštar ī hwōwān pad nigēzišn nigēzīhēd.

زند: آن آرزو را فروشتر هوگو برای من بسیار شرح دهد.

(یسن ۱۷/۵۱)

در نمونه زیر، mainiiū mamanāitē به pad menišn menēm ترجمه شده است. لازم به توجه است که mainiiū غالباً به mēnōg برگردانده می‌شود.^۱ این ترجمه می‌تواند به این دلیل باشد که فعل mamanāitē بر ماده تشدید ساخته شده است.

Avesta: iṯā mainiiū mamanāitē iṯā vaocātarē iṯā vāuuərzātārē.

اوستا: آن گاه دو مینو اندیشیدند، آن گاه گفتند و آن گاه ورزیدند.

Zand: ēdōn pad menišn menēm ud ēdōn gōwēm ud ēdōn warzēm.

زند: ایدون سخت می‌اندیشم و ایدون می‌گویم و ایدون می‌ورزم.

(یسن ۴/۱۳)

(۱) به جز یسن ۴/۱۳ و یسن ۵/۳۲ که در آن akasca mainiiuš به watar menišn برگردانده شده، mainiiu در تمام زندگاهان و یسنا به mēnōg برگردانده شده است.

هنگامی که محققان اوستاشناس به این نتیجه دست یافته بودند که زند/اوستا در درک و فهم مطالب اوستایی معتبر نیست، کلینگن‌اشمیت توجه کرده بود که این متون را نمی‌توان فاقد ارزش دانست و با استفاده از برخی ترجمه‌های پهلوی می‌توان به اصل متن اوستایی پی برد. به این ترتیب که وی (نیرنگستان: ۶۸) را، که فعل آن در ترجمه پهلوی در نسخه TD به صورت 'pl l'yššn' و در نسخه HJ به صورت 'pl'yššn' آمده است و آن را به 'dēw +paristān +lēsēnd' تصحیح کرده بودند، به صورت 'PWN LYŠŠN' تصحیح کرده و بنابراین، وی، ضمن اشاره به دو مثال فوق، فعل 'raēzaēte' را، که به صورت '+raēzaite' تصحیح کرده بودند، به صورت '+raērizaitē' که بر ماده تشدید ساخت شده تصحیح کرده است (کلینگن‌اشمیت ۱۹۷۸: ۱۰۲-۱۰۳).
قابل توجه است که گاه افعالی که بر ماده آرزویی ساخته شده‌اند یا ماضی نقلی‌اند و بر ماده مضاعف ساخته شده‌اند نزد مترجمان پهلوی چنین مفهومی داشته و به همان صورت ترجمه شده‌اند:

Avesta: ašā vē aniiō ainīm vīuuōnghanatū taṭ zī hōi hušōnəm anhaṭ.

اوستا: (از نظر دست یافتن) به اشته یکی از شما از دیگری سبقت گیرد، که برای او سودبخش خواهد بود.

Zand: ka ahlāyīh ašmā any az ōy ī any pad windišn windēd čē ēdōn hūmānišnīh ast.

زند: اگر شما اهلائی را یکی از دیگری سخت بیابید، چرا که ایدون خوب‌مانشی است.

(یسن ۵/۵۳)

Avesta: hīiaṭ mā drəguuā dīdarəšatā aēnājhē.

اوستا: هنگامی که آن دروند برای آزردهن مرا فراگیرد.

Zand: ka man ān druwand pad dārišn dārēd^۱ kēn.

زند: هنگامی که آن دروند کینه من را بسیار داشته باشد.

(یسن ۷/۴۶)

(۱) مطابق نسخه M، pad dārišn dārēd. در سایر نسخه‌ها dārēd نیامده است. دابار نیز، در زند یسنا و ویسپرد، dārišn را برگزیده است. بر اساس شیوه ترجمه افعال ساخته شده بر ماده تشدید، نسخه M برگردان منطقی‌تری را نشان می‌دهد.

Avesta: auuāiš uruātāiš yā tū mazdā didarəžō.

اوستا: مطابق احکامی که تو ای مزدا! آنها را استوار می‌داری.

Zand: awēšān wābarīgānīh kē tō ohrmazd pad nigēzišnīh nigēzihēd.

زند: به آن باورمندی‌ای که دین تو، ای اورمزد، کاملاً شرح داده شود.

(یسن ۱۵/۴۴)

بیت فوق تنها شاهی است که فعل آن به ساختی برگردانده شده که در آن، به منظور تأکید و بیان شدت عمل، نه اسم مصدر بلکه اسم معنای مشتق از همان ریشه فعل به کار رفته است. مورد زیر نیز تنها شاهی است که در آن، به جای اسم مصدر، اسم معنای ساخته شده بر صفت فاعلی همراه با حرف اضافه pad، برای تأکید و بیان شدت عمل، دیده می‌شود:

Avesta: zaraθuštrəm spitāməm hiiat ahmī urūraost.

اوستا: (خشنود نساخت) زردشت سپیتمان را که در آن (پل) می‌نالید.

Zand: kē zardušt ī spītāmān hēm kē ast kū-m pad rānagih rānagēnēd.

زند: یعنی مرا که زردشت سپیتمان هستم، کسی هست که سخت آسیب رساند.

(یسن ۱۲/۵۱)

با این حال قانون اصلی باید همان باشد که پیش از این ذکر شد. به خصوص آنکه در زند *وندیداد* نیز همان شیوه ترجمه حاکم است:^۱

Avesta: hō maṃ auuaθa vərənən nijaiṃti yaθa vəhrkō caθbarəzangrō barəθriiāt haca puθrəm niždarə.dairiāt.

اوستا: او بارهای (بارهای رحم، فرزندان) مرا همان‌گونه نابود می‌کند که گرگی چارپا طفل را از رحم بدرد (بیرون آورد).

(۱) از این جهت که زند *وندیداد* نسبت به سایر بخش‌های *اوستا* از قدمت بیشتری برخوردار است. از میان محققان بیش از همه آلبرتو کانترا به این موضوع پرداخته است. وی علاوه بر شواهد زبان‌شناختی، از طریق اسامی شخصیت‌های تاریخی و ذکر رخدادها تاریخی ثابت کرده که زند *وندیداد* قدیم‌ترین بخش زند *اوستا* است.

Zand: ān man ēdōn apus bē zanēd čiyōn gurg ī čahārzang (ka) az burdār pus **pad darrišn darrēd.**

زند: او آبستنی (فرزند در رحم) مرا همان‌گونه نابود می‌کند که گرگی چارپا که طفل را از رحم سخت بدرد (بیرون آورد).

(زند-یاد، فرگرد ۳۸/۱۸)

ادامه این ساخت نحوی نیز در آثار فارسی میانه زردشتی باقی مانده است:

ān kay sīh sālag bawēd ... pad a-mar drafš spāh ... pad tāzišn ul tātēd tā wih-rōd.

هنگامی که آن کی سی ساله شود... با درفش <و> سپاه بی‌شمار ... تا وه‌رود سخت بتازد.

(زند بهمن یسن، ۷/۷)

مرحوم بهار در پیشگفتار بندهش (۱۳۸۰: ۱۴) با ذکر دو شاهد از این متن پهلوی، ka pad tāzišn frāz tātēd (چون به تازش فراز تازد) و abāg bē^۱ dwārišn duwāriḍ hēm (که با وی به تازش تاختم)، به اینکه مفهوم این ساخت نحوی مطابق مفهوم مفعول مطلق تأکیدی در زبان عربی است اشاره کرده و آن را ادامه عباراتی در اوستا و فارسی باستان دانسته که بار تلمه آنها را با اصطلاح absolutive مشخص نموده است، مانند سنگ‌نیشته بیستون، ستون نخست، سطرهای ۲۱-۲۲: avam ubartam abaram (او را نواختم نواختنی نیک) و مانند آن (بهار ۱۳۸۰: ۱۴).^۲ مولایی نیز در تحقیقی به‌منظور اثبات آنکه، علی‌رغم رأی دستورنویسان فارسی، مفعول مطلق تأکیدی در زبان فارسی تحت تأثیر نحو زبان عربی نیست، ضمن ذکر شواهدی از نظم و نثر فارسی، این ساخت نحوی در زبان پهلوی را بازمانده همان عبارات و واژه‌های فوق دانسته که سابقه کاربرد آن به متون ایرانی باستان و حتی هندوایرانی می‌رسد. وی نقش این واژه‌ها را تأکید بر فعل جمله دانسته است. با

(۱) به‌جز این مورد، شاهد دیگری که در آن bē به جای pad به‌کار رفته باشد مشاهده نشد. از این‌رو باید bē را در این متن به pad تصحیح کرد.

(۲) مرحوم بهار، علاوه بر ذکر دو شاهد یادشده، به نمونه‌هایی از دینکرد، که در آن این ساخت نحوی به‌کاررفته اشاره کرده و آنها را نیز ادامه کاربرد absolutive دانسته است (بهار ۱۳۸۰: ۱۵). با این حال توجه شود که این ساخت نحوی، در متن‌های پهلوی، بازمانده ترجمه مفعول هم‌ریشه با فعل نیز می‌تواند باشد که در پایان همین مقاله شرح داده شده است.

این حال به نظر می‌رسد بخش کثیری از عباراتی که در *اوستا* با اصطلاح absolute شناخته می‌شوند واژه‌ها و عباراتی هستند که بخش نخستین آن‌ها را صفت تشکیل می‌دهد و نه برای تأکید بلکه بیشتر برای وصف و بیان چگونگی فعل به کار می‌روند. اغلب عباراتی نیز که مستند مولایی است برای وصف و بیان چگونگی فعل به کار رفته‌اند.^۱ این دسته از واژه‌ها در زند *اوستا* با حرف اضافه pad و فعل و اسم معنا از همان فعل به پهلوی برگردانده شده‌اند و مفهوم آن مطابق با مفعول مطلق نوعی در زبان عربی است که از مثال‌های معروف آن «اصبر صبراً جمیلاً» است و ساخت نحوی‌ای که افعال ساخته شده بر ماده تشدید بداند ترجمه می‌شوند و به آن اشاره شد، هرگز در ترجمه این دسته از واژه‌ها به کار نرفته است.

*Avesta: āat mraot ahurō mazdā aētahe paiti pəšō.tanuiie duiie saite upāzananam
upāzōiṭ aspāhe aštraī duiie saite sraošō.caranaīia.*

*اوستا: آنگاه اهوره‌مزدا گفت: برای آن (گناه) تناپل با تازیانه اسب دویست ضربه زند؛ دویست تازیانه
سروشوچرنام.*

*Zand: uš ohrmazd (kū) pad ān ī ōy *tanāpuhriḡānīh dō sad pad abar-zanišnīh abar-
zanišn asp aštar dō sad srōšōčaranām.*

*زند: اورمزد گفت (که) در ازای آن (گناه) تناپل دویست ضربه با تازیانه اسب زده شود؛ دویست
(ضربه با تازیانه) سروشوچرنام.*

(وندی‌داد، فرگرد ۷/۷)

(۱) چنانکه مولایی نیز اشاره کرده، بنویست واژه‌هایی را که با نام absolute شناخته می‌شوند قید شمرده است. نک:

BENVENISTE, É., 1935, "Les absolutifs avestique", *Mémoires de la Société de Linguistique de Paris*, 23, 6, pp. 393-402.

برخی از شواهدی هم که وی از نظم و نثر فارسی آورده است به این دسته تعلق دارند، مانند:
بلرزیدی زمین لرزیدنی سخت که کوه اندر فتادی زو به گردن

(منوچهری)

بجنیید جنییدنی باشکوه چو از زلزله کالبدهای کوه

(نظامی)

Avesta: maṃ narō paskaṭ yazənte ahurəm mazdām darəγō.yaštəm ...

اوستا: زین پس مرا، اهوره‌مزدا را، مردان نیز یزند، با دیریشنی.

Zand: man mard pas-iz yazēnd pad ān ī ohrmazd dēr-yazišnīh.

زند: پس نیز مرا مرد(ان) با دیریشنی اورمزد یزند.

(هیربدستان ۱۴/۲)

در شاهد زیر از نیرنگستان ۳/۸، ظاهراً مترجم پهلوی *vāsaiiatam* «گاو در حال ماغ کشیدن» را absolute از ریشه *ay-* «آمدن» دانسته و آن را به *pad āyišnīh āyēd* برگردانده است:

Avesta: gaēθanəm vā vāsaiiatam, ...

اوستا: یا (اگر هنگام برخواندن گاهان صدای) چارپایانی که ماغ می‌کشد (شنیده شود) ...

Zand: ayāb gēhān abar pad āyišnīh āyēd [kū uštar abar āyēd].

زند: یا (اگر) چارپا^۱ بیاید (لفظاً: با آمدن بیاید) [یعنی شتر بیاید].

ادامه این ساخت دستوری نیز در متون فارسی میانه زردشتی باقی مانده است.

... tō mard ī ahlaw pas az tō yazēnd pad ān ī ohrmazd dēr-yazišnīh ud ham-pursagīh ...

تو مرد اهلو، پس از تو با ستایش طولانی و با هم سخنی، اورمزد را بستایند.

(ارداویرف‌نامه ۱۴/۴)

نکته دیگر اینکه واژه‌هایی که به مفعول هم‌ریشه با فعل^۲ معروف‌اند نیز، در برخی از موارد، همانند ترجمه افعال ساخته‌شده بر ماده تشدیدیه به پهلوی برگردانده شده‌اند:

(۱) «چارپا» مقایسه شود با زند یسن ۷/۶۵ که در آن *gaēθanā* با *gōspand* تفسیر شده است. کوتوال و کرینبروک *gēhān* را به «موجودات زنده» برگردانده‌اند (کوتوال و کرینبروک ۱۹۹۵: ۵۵).

(۲) مفعول هم‌ریشه با فعل (*cognate accusative*) به واژه‌هایی گفته می‌شود که هم‌ریشه با فعل‌اند و در حالات گوناگون صرف می‌شوند. سابقه کاربرد این دسته از واژه‌ها به متون ودایی می‌رسد (نک: ویتنی ۱۹۸۶: ۹۲). هیتسه، ضمن برشمردن شواهدی از این واژه‌ها در *اوستا*، اشاره کرده که در زبان هیتی مفعول هم‌ریشه با فعل در حالت فاعلی نیز یافت می‌شود. نک: Hintze, A., 1994, *Der Zamyād-Yašt*, Wiesbaden, p. 238. همو بر شواهد ودایی به این کتاب از خندا ارجاع داده است. نک:

Gonda, J., 1959, *Stylistic Repetition in the Veda*, Amsterdam, p. 277ff.

Avesta: aoi maṃ staomaine stūiḍi yaθa mā aparaciṭ saōšiantō stauuaṇ.

اوستا: مرا بستای همچون سوشیانت‌هایی که زین پس مرا خواهند ستود.

Zand: abar man pad stāyišn stāy [andar yazišn] čiyōn man pas-iz sūdōmand stāyēnd.

زند: مرا بستای [در یزش]، همچون سودبخشانی که زین پس مرا خواهند ستود.

(یسن ۲/۹)

در نمونه زیر، مفعول هم‌ریشه با فعل که ساخت آن با absolute شباهت دارد، به شیوه ترجمه absolute به پهلوی برگردانده شده است:

Avesta: aētaḍa hē aēte mazdaiiasna ahe nmānahe upaθβərəsṇ upaθβərəsaiiaṇ ...

اوستا: اینجا مزدیسنان در این خانه شکاف‌هایی ایجاد کنند

Zand: ēdōn ōy [...] ōyšān māzdēšn ān mān pad abar brīnišnīh abar ēd brīnēnd.

زند: این چنین مزدیسنان آن خانه را با بریدن ببرند.

(وندیداد، فرگرد ۱۰/۸)

این در حالی است که در ترجمه پهلوی/اوستا، مفعول هم‌ریشه با فعل ظاهراً اغلب به اسم مصدر برگردانده می‌شود. مانند gōwišn و abganišn در دو شاهد زیر:

Avesta: fraca aētaṭ vacō vaoce yaṭ ahumaṭ yaṭ ratumaṭ ...

اوستا: این کلام (اهونور) را من فراز گفته‌ام، که دارای «اهو» است، که دارای «رد» است ...

Zand: frāz ēd gōwišn guft [dēn] ī ahumand ud radōmand ...

زند: این کلام [دین] که دارای «اهو» و «رد» است فراز گفته شد ...

(یسن ۸/۱۹)

Avesta: mā θβā daēna māzdaiiasniš aspahē sparōiṭ sparmaini.

اوستا: دین مزدیسنايي تو را از پایمال اسب، پایمال مکناد.

Zand: ma tō rāy dēn ī māzdēšnīh pad tangīh abganišn abganēd ...

زند: تو را دین مزدیسنايي به تنگی (دوزخ) میفکناد.

(گشتاسپ‌یشت، ۳۵)

ادامه کاربرد اسم مصدر، در جایگاه مفعول هم‌ریشه با فعل، در آثار فارسی میانه زردشتی نیز باقی مانده است. نمونه‌ای از مقدمه مینوی خرد، بند ۱۶۵، ذکر می‌کنیم:

ud ān ī druwandān ruwān ... was xwāhišn ī lābaggarīhā xwāhēnd ...

و روان دروندان لابه‌گرانه بسیار خواهش می‌کنند

نتیجه‌گیری

براساس آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت ترجمه‌های اوستا، از این نظر که در بردارنده واژه‌هایی است که در آثار فارسی میانه زردشتی یافت نمی‌شود، منبع ارزشمندی برای بررسی و مطالعه زبان‌های ایرانی میانه و روشن ساختن برخی از نکات مبهم آن‌هاست. برخی از ساخت‌های نحوی پهلوی در آثار فارسی میانه زردشتی یافت نمی‌شود، اما در زند اوستا می‌توان آن‌ها را یافت. از جمله ساخت نحوی‌ای که از ترکیب اسم مصدر و فعل معین hēnd و hē تشکیل شده که ترجمه صفت مفعولی آینده و واژه‌های شبیه آن به پهلوی است و بیانگر مفهوم صفت مفعولی آینده در اوستا است. در واقع، مفهوم وجوب و لزوم انجام فعل، که در آثار بازمانده از فارسی میانه زردشتی با اسم مصدر و فقط برای سوم شخص بیان شده و به همین سبب به آن امر غایب نیز گفته می‌شود، در زند اوستا برای دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع نیز با ساخت نحوی فوق بیان می‌گردد. همچنین، بررسی ترجمه پهلوی افعال اوستایی که روی ماده تشدید ساخت شده‌اند نشان داد این افعال به ساختی ترجمه می‌شوند که مفهوم آن با مفعول مطلق تأکیدی در نحو زبان عربی برابر است و تشکیل شده از حرف اضافه pad و پس از آن اسم مصدر هم‌ریشه با فعل به همراه فعل. این ساخت پهلوی به آثار فارسی میانه زردشتی نیز راه یافته و، بر خلاف رأی برخی از محققان، ادامه کاربرد عباراتی که با اصطلاح absolutive شناخته می‌شوند نیست.

منابع

- بهار، مهرداد (مترجم)، ۱۳۸۰، بندهش، تهران.
ژینو، فیلیپ، ۱۳۸۲، ارداویراف‌نامه، ترجمه ژاله آموزگار، تهران.

مولایی، چنگیز، ۱۳۸۱، «مفعول مطلق در زبان فارسی، تحقیقی در حاشیه دستور تاریخی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۱۸۵، ص ۹۵-۱۰۲.

- ANKLESARIA, T. D., 1913, *Dānāk-u Mainyō ī Khrad*, Bombay.
- BARTHOLOMAE, Ch., 1904, *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg.
- CANTERA, A., 1999, "Die Stellung der Sprache der Pahlavi-Übersetzung des Avesta innerhalb des Mittelpersischen", *Studia Iranica*, 28, pp. 173-204.
- _____, 2004, *Studien zur Pahlavi-Übersetzung des Avesta*, Wiesbaden.
- Dhabhar, B. N., 1949, *Pahlavi Yasna and Visperad*, Bombay.
- GELDNER, K., 1896, *Avesta, the Sacred Books of the Parsis*, Stuttgart.
- HUMBACH, H., 1991, *The Gāthās of Zarathushtra and the Other Old Avestan Texts*, 2 vols, Heidelberg.
- INSLER, S., 1976, *The Gāthās of Zarathushtra*, *Acta Iranica* 8, Leiden.
- JACKSON, A. V. W., 1892, *An Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit*, Stuttgart.
- JAMASP, D. H., 1907, *Vendidad, Avesta Text with Pahlavi Translation and Commentary, and Glossarial Index*, vol. I, the Texts, Bombay.
- KAPADIA, D. D., 1953, *Glossary of Pahlavi Vendidad*, Bombay.
- KLINGENSCHMITT, G., 1978, "Der Beitrag der Pahlavi Literature zur Interpretation des Avesta", *Münchener Studien zur Sprachwissenschaft*, 37, pp. 93-107.
- KOTWAL, F. M. & KREYENBROEK, Ph. G., 1995, *The Hērbedestān and Nērangestān*, Vol. II, Nērangestān, *Studia Iranica*, Cahier 16, Paris.
- MADAN, D. M., 1911, *The Complete Text of the Pahlavi Dinkard*, 2 vols., Bombay.
- WHITNEY, W. D., 1986, *Sanskrit Grammar*, Cambridge.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی